

متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناله‌الفداء



بسم الله الرحمن الرحيم

در تمام گوشه و کنارهای زندگی مادی عادی، مادی منظور یعنی عادی، چون ما یک زندگی معنوی داریم، یک زندگی مادی، زندگی مادی ما همین است که کودک به دنیا می‌آید و خب بزرگ می‌شود... زندگی معنوی این است که می‌فهمد غیر از این حیات، حیات دیگری دارد، برود دنبالش. این خلاصه‌اش بود که حالا در ضمن صحبت‌های متفرق جزئیاتش مطرح خواهد شد. اینکه گفته‌اند خداوند همه جزئیاتی که فراهم کرده و به فرشتگان و اشخاص عادی هم کمک کرده، داده، همه اینها در زندگی معنوی دیده می‌شود و تصور نکنید یک چیز جداگانه‌ای است، نه. اگر همین زندگی مادی را به نحوی که اجازه داده‌اند و به نحوی که دستور داده‌اند بگذرانیم، خودبخود یک معنویت دارد. حتماً اگر دقت کرده باشید، در بین اشخاصی که یک ضعف بدنی‌ای دارند و با همان ضعف بدنی زندگی می‌کنند و در همین دنیا هستند، خود اینها یک معنویت دارد که گاهی دیدید خیلی‌ها از نقل قول از گفته‌های اینها نقل می‌کنند و بسیاری اوقات هم در تاریخ دیده شده که یک نفر از توسل به اینجور افراد هم خداوند راهنمائی‌ش کرده، به یک طریقی که راه حق را اداره کند. یعنی در واقع به ما گفته است که شما نقصتان این است که باید با دستور و اجازه من کار کنید. والا اگر اعمالی که گفته‌ام، افکاری که خدا گفته، اینها، خودش می‌گوید، خدا می‌گوید، اینها را رفتار کنید، خوب بر شما حرجی نیست، منتهی جلو نمی‌روید که قدمی به من نزدیک‌تر بشوید، راهتان درست است، از همین مسیر می‌روید و خداوند هم مسیرتان را تقویت می‌کند، در همان مسیر...، منتهی اگر کسی، اگر یک بشری خداوند به او حالی کرده که باید به کسی متصل بشود، آن وقت می‌فهمد که باید اول پیغمبری انتخاب کند، اعمال او را هرچه فرموده انجام بدهد، در درجه بالاتر دستورات و اوامر سایر آقایان عظام از قبیل مثلاً حضرت موسی، اینهایی که نوشته است و می‌شود پیدا کرد، حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام و بالاترین مرتبه اولی حضرت محمد (ص)، اینها را، نمونه افکار و اعمالی که این حضرات فرموده‌اند انجام بدهید، در آن صورت خداوند شما را حفظ می‌کند از اینکه به راه خطا نروید. ولی تعمیم هم می‌کند که کوشش کنید در راه وصول به خداوند و روزبه‌روز جلوتر بروید. به هرجهت اگر کسی واقعاً، کسی، یهودی، پیرو حضرت موسی علیه‌السلام است، اگر نداند که بالاتر از حضرت موسی هم

خداوند خلق کرده و با همان موسی اوراد و دعا و همه چیزهایش را سر کند، خداوند همان را قبول می‌کند از او، تا روزی که بفهمد، خداوند به فهمش عرضه کرده و می‌فهمد که استاد بالاتر از موسایی خداوند داشته و دارد و آن حضرت عیسی است علیه‌السلام و از او بالاتری هم دارد که پیغمبر ماست، ولی به هر کدام که از صمیم قلب و بدون تردید و قوت قلب متوسل بشود همان کافی است. در اینکه پیغمبر می‌دانیم و در کتاب‌ها هم خواندیم، می‌بینیم، بسیاری از پیروان موسی علیه‌السلام یا عیسی علیه‌السلام، یا از زرتشت علیه‌السلام، بسیاری از اینها را تأیید کرده به نحوی، به این نحو که یک نفر مسیحی را که پذیرفت که با او صحبت کند، یک رسمیتی به مذهب او داده است و... قائل شده. همه اینها را خداوند قبول می‌کند بشرط اینکه، در صورتی که نداند که کسی دیگر هست، اگر یک بنده الهی روی فهم خود یا روی آزمایش یا... کرد، به آن دستور الهی که به نظر او آخرین دستور است، مثلاً حضرت موسی، تقبل می‌کند که، یعنی در ذهنش... که دیگر بعد از موسی خداوند نپرداخته به دیگران و به همان موسی کافی است. این شخص را خدا قبول می‌کند، که آن مسیحی را، همچنین آن کسی که مسیحی است یا آن کسی که مذهبی ندارد. ولی خداوند چون این پیامبرانی که فرستاده است، برای درواقع تعلیم مردم، دیگر خداوند فرمود به همه بندگان تعلیم می‌دهد، تعلیم نه اینکه مکتبی و اتاقی و نمی‌دانم این چیزها باشد، نه، به... معین خداوند جمع می‌کند اینها را، گناهی را تعمیم می‌کند... و به اینها معلوم می‌شود که باید بعد از آن پیغمبری که به او ارادت داشتند، به پیغمبر بعدی هم رجوع کنند. خب خیلی مواقع هست که احکام ظاهری با هم متفاوت است و حتی ممکن است معکوس هم باشد، در اینکه خداوند یکی است و خالق همه چیز است، تمام این ادیان متفق‌القول هستند. مکتب حضرت موسی یا قبل از آن... معتقد نیست که یک نفر بودایی بتواند دنیا را بگرداند، نه، هم او و هم هم‌ردیفش از... می‌دانند که باید این راه راست بالاتری را بدانند، هر کدام را رجوع کردند فرموده است که بعدی ما کامل‌تر است، نه اینکه خواسته است خودش را ناقص بداند، نه، بشری که مأمور آنها هستند کامل‌تر است. آن بشری که در زمان حضرت موسی هستند، عقل و اندیشه و فعالیتشان خیلی بیش از پیروان حضرت عیسی بود. این است که در یک دینی که برای عیسی مقرر شده، آن دینی نیست که برای موسی مقرر شده، بنابراین باید به این رفتار کند.

ان شاء الله خداوند همه ما را آماده و پذیرای این دین‌ها باشد. یعنی هم دین مسیحی را بپذیریم، هم دین یهودی را، برای اینکه آنها حرفی نمی‌زنند جز اینها. مسأله احکام یا دستورات درجه بعدی اهمیت است، درجه اول دیانت همین به اصطلاح قبول پیغمبر است با همین‌ها و همه حرفهایی که می‌زنند. یعنی پیغمبر،

خدا کسی را معین می کند بنام... از قبیل حضرت عیسی. یک همچنین کسی را معین می کند و تا هست، او هم هست، پیغمبر بعدی یک نحوه جدید طی می کند، در اصل هیچ فرقی ندارد. این است که... و مسیحی... و با این... کسی... که آماده پذیرش اسلام است، خداوند بلاخره او را... وارد خواهد کرد. به خداوند متوسل باشید و از او همه چیز بخواهید، دیگر گرفتاری برایتان نیست. خداوند همه چیز را مطابق عقل بشر آماده کرده است، ما که در این دوران می پذیریم که خداوند، یعنی می فهمیم که خداوند واحدی هست، باید از او پیروی کنند، این یک ترقی است از آن یهودیان یا مسیحیانی که پیغمبرشان به آنها می گفت و همه می گفتند و آن خوب هایشان می گفتند ما پیغمبر را می شناسیم. ولی بعد از این گفتند که نه، ما می شناسیم که این پیغمبر را هم کسی فرستاده، آن کسی که خدا باشد می پرستیم. ولی در همه صورت خواسته این اشخاص خداوند است، اگر هم پیغمبری را می پرستند بعنوان اینکه این خدا است، ولی بتدریج که فهمیدند خدا اینطور نیست، عوض می شود، دین هم عوض می شود. به هر جهت دین همیشه با ما هست، منتهی هر وقت... دین داری ما منطبق با اوضاع... و درجه بندی باشد که مردم می کنند از...

درجه دوم بعد از شناخت خدا، شناخت پیغمبر است که الحمدلله ما با مسلمانی که این توفیق این را خداوند به ما داده، می توانیم مدعی شویم که ما خواسته خداوند هستیم، نگرانی هم از این جهت نداشته باشیم. ان شاء الله خداوند همه ما را به بالاترین راه و نزدیکترین راه بسوی حق هدایت کند.

